

نقش آزمایش‌های «دی. ان. ای» در ثبوت و عدم ثبوت نسب و جرائم از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم‌السلام و فقه حنفی

□ سید علی موسوی *

□ مظاهر حیدری *

چکیده

ثبوت نسب از اهمیت زیادی برخوردار است و شریعت به آن اهتمام خاصی داشته حتی با قرعه نیز برای اثبات نسب استفاده می‌شود. با پیشرفت علم راه‌هایی برای ثبوت نسب و جرائم در اختیار انسان‌ها قرار گرفته است که یکی از این راه‌ها آزمایش‌های ژنتیکی و تست دی ان ای (DNA) است. از نظر پزشکی ثبوت نسب و جرائم از طریق ژنتیک و دی ان ای امر مسلمی است ولی نگاه دین و شریعت در این مورد چیست؟ آیا فقه‌های اسلامی نیز آزمایش‌های ژنتیکی را می‌پذیرند یا آن را حجت ندانسته و رد می‌کنند؟ سوالاتی است که مطرح می‌باشد.

مقاله حاضر بر آن است که نقش آزمایش‌های ژنتیکی و دی. ان. ای و امکان استناد به آن را در دعاوی اثبات نسب و جرائم از دیدگاه و آراء فقهاء مذهب اهل بیت (ع) و مفتیان احناف مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های مقاله: فقهای مذهب اهل بیت (ع) در حجیت این‌گونه آزمایش‌ها برای اثبات نسب و جرائم اختلاف نظر دارند؛ برخی به حجیت این ادله، در صورت حصول علم؛ و گروهی بر عدم حجیت آن معتقدند. در مذهب احناف نیز بین مفتی‌ها اختلاف نظر وجود دارد که برخی آن را منکر شدند برخی دیگر با شرائط آن را قابل قبول دانسته‌اند.

کلیدواژه: دانش پزشکی، ژنتیک، دی. ان. ای، نسب، جرائم، فراش.

* دانش پژوه دکتری فقه مقارن جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمية

* دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه

مقدمه

درآفرینش و خلقت انسان، قدرت، حکمت و تدبیر الهی حکم فرماست و با پیشرفت علم (science) ابعاد جدید قدرت و حکمت الهی آشکار می‌شود. بدن انسان مرکب از سلول‌های بی شماری است و در هر سلولی ژن‌های زیادی وجود دارند و این ژن‌ها بر استعدادها و قوه‌های انسان تأثیر می‌گذارند. علم ژنتیک از یک طرف قدرت و حکمت نامتناهی خداوند را آشکار می‌کند و راه‌های گوناگونی برای معالجه بیماری‌ها می‌گشاید و از طرف دیگر احکام شرعی زیادی در پرتوی تحقیقات گسترده پیدا شده‌اند.

اجزای بدن یک انسان از اجزای بدن شخص دیگر متفاوت‌اند و برخی از ویژگیهای انسانی از طریق ژن به نسل بعد از خود منتقل می‌شوند. لذا از نظر پزشکی از این طریق می‌توان در اثبات جرائم و انساب بهره‌مند شد.

«در این عصر جدید در سایه پیشرفت علم (science) و از طریق مطالعه ژن‌های انسان می‌توان به نسب، بیماری‌ها و حقایق گوناگون پی برد. DNA علاوه بر پیشبرد حقایق علمی عقائد دینی را نیز تصدیق و تأیید می‌کند..... و درباره حقایق مختلف دین سوال‌هایی در اذهان انسان‌ها بوجود می‌آیند که از طریق DNA می‌توان به آن‌ها پاسخ داد.» (قادری، اسلام اور جدید سائنس ۲۰۰۷م: ۶۱۷)

فقه‌ها برای اثبات نسب اولاً به قاعده فراش تمسک می‌کنند و در صورت عدم امکان تمسک به آن به اقرار و شهادت حتی از قیافه بهره می‌گیرند. اگر این راه‌ها نیز در اختیار نباشند به قاعده قرعه استناد کرده و نسب را از آن طریق ثابت می‌دانند. این راه‌ها از صدر اسلام تا الان برای استناد در اختیار فقها قرار دارند. در این زمان به خاطر پیشرفت علم بخصوص در زمینه پزشکی و طب راه‌های دیگری برای ثبوت نسب در اختیار انسان قرار دارد که دی‌ان‌ای (DNA) مهمترین راه‌ها است. آزمایش «دی.ان.ای» یکی از ابزارهایی است که با دقت بسیار بالا به کمک ادله اثبات نسب آمده و شاید روزی فرارسد که به عنوان قوی‌ترین دلیل از جهت قدرت اثباتی در مخاصمات و دعاوی نسب مورد استفاده قرارگیرد. در حال حاضر در پزشک قانونی، امور حقوقی و قضایی از

این طریق استفاده می‌شود. و دیر زمانی نیست که استفاده از آزمایش‌های ژنتیک به عنوان یک شیوه مهم تشخیص هویت انسانی در جهان مطرح گردیده است. تعیین هویت ژنتیک دستاوردی مهم از حقوق پزشکی در حقوق کیفری و به عنوان روش مدرن برای مقابله با بزهکاری امروز بوده است، کاربرد آن نه تنها می‌تواند برای بررسی بقایای باقی مانده بیولوژیک به فاصله کوتاهی از زمان ارتکاب جرم مطرح باشد، بلکه پس از سپری شدن سالیان متمادی از زمان ارتکاب جرم نیز قابل استفاده است. اما اینکه از نگاه فقهی این کار قابل اعتماد بوده و می‌توان آن را حجت دانست یا نه؟ نگاه اسلام نسبت به این امر و اثبات نسب و جرائم از این طریق چیست؟ سوالاتی است که این نوشتار به بررسی آن می‌پردازد.

مفاهیم

قبل از ورود به مباحث اصلی لازم است در ابتدا معانی اثبات، نسب، دی ان ای و غیره بیان شود.

مفهوم اثبات

اثبات از باب افعال به معنای ثابت کردن چیزی است. اثبات ثابت گردانیدن و نام نویسی در دفتر لشکر و سپاه. (فرهنگ فارسی معین)

در کتب لغت به چهار معنی آمده است:

۱: حجت و بینه و دلیل، چنانچه گفته می‌شود: من حکم صادر نمی‌کنم مگر به ثبوتی، یعنی بدون حجت و بینه.

۲: استقرار یافتن در مکانی، مثلاً فلانی در فلان مکان ثابت شد یعنی استقرار یافت، اقامت گزید.

۳: تانی و مشاورت، یعنی در امور عجله نکرد بلکه با مشاورت و جستجو امور را پیشبرد.

۴: صحت و تاکید، امر ثابت یافت یعنی تحقق یافت صحیح گردید، حق با اثبات کرد یعنی تاکید و محکم کرد.

((القاموس المحيط ۱/ ۱۹۱، معجم الوسيط، ۱/ ۹۳))

در اصطلاح نیز اثبات، با مختصر اختلافی در کتب بزرگان بیان شده است. ثبوت شیئی ای برای شیئی دیگر، اقامه دلیل معتبر بر حقی و صحت کاری از جمله تعریف‌های اثبات‌اند. جرجانی چنین تعریف کرده است: اثبات عبارت است از حکم به ثبوت شیئی ای برای شیئی دیگر. ((التعريفات: ۳))

«اقامه دلیل معتبر شرعی بر حقی یا واقعه ای در دادگاه بدین طریق که آثار شرعی بر آن مترتب شود.» ((وسائل الإثبات فی الشريعة الإسلامية: ۲۲))

«اقامه دلیل بر صحت کاری» ((الموسوعة الفقهية، إصدار وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، الكويت: ۱ / ۲۳۲))

اهمیت نسب

از نگاه قرآن، روایات و فطرت حفظ نسب از اهمیت زیادی برخوردار است. این واژه در قرآن به صورت مفرد و جمع هر دو آمده است: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» فرقان ۵۴

{فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ} مؤمنون ۱۰۱

ثبوت نسب از این جهت نیز از اهمیت زیادی برخوردار است که خیلی از احکام شرع بر آن متوف است. مثلاً میراث، محارم، نکاح، کفایت و غیره.

حفظ نسل و نسب یکی از مقاصد شریعت شمرده شده است. شریعت برای حفظ پنج چیز آمده است که عبارتند از: حفظ دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ نسل (نسب) و حفظ مال. ((الشاطبی، الموافقات: ۲/ ۱۰))

مفهوم نسب

نسب با فتح نون و سین جمع آن انسباب است. «در لغت به معنای قرابت آمده است، و گفته شده که فقط قرابت از طریق آباء را شامل می‌شود.... فلانی با فلانی مناسبت دارد پس او نسیب

نقش آزمایش‌های «دی. ان. ای» در ثبوت و عدم ثبوت نسب و جرائم از دید گاه □ ۱۱

اوست یعنی از نزدیکان اوست.» (لسان العرب، ابن منظور ۱۴۲۴ ه‍.ق: ۱/۸۸۹، الجوهری، الصحاح ۱۳۷۶ ه‍.ق: ۱/۲۲۴))

«وگفته می‌شود نسبش در بنی فلان است یعنی او از آنان است؛ و جمع نسب انساب است.» (معجم المقایس اللغة، ابن فارس: ۵/۴۲۳)

معنای اصطلاحی نسب نیز جدا از معنای لغوی نیست. لذا تعریف آن بر همان معنای لغوی اتکا دارد.

«نسب به معنای قرابت است، و مراد از آن رحم است، و آن لفظی است که شامل هر کسی می‌شود که بین شما و بین او قرابتی باشد، چه نزدیک باشد چه دور باشد، از جهت مادر باشد یا از ناحیه پدر باشد.» (البصمة الوراثية ومدى مشروعيتها استخدامها في مجال النسب والجنائية، عمر بن محمد بن ابراهيم غائم: ۹۵))

«نسب عبارت است از اتصال بین دو انسان که در ولادت شریک هستند چه نزدیک باشند چه دور باشند.» ((التفسير الكبير فخر رازی: ۵/۲۸۶))

«نسب: و آن رابطه شخص است با دیگری براساس قرابتی که قائم بر رابطه خونی است.» (الجندی، النسب فی الاسلام والارحام البدیلة ۲۰۰۳ م: ۹، زیدان: المفصل فی احکام المرأة والبيت المسلم فی الشریعة الإسلامية ۱۴۱۳ ه‍.ق: ۳۵۱/۹)

در همه این تعریف‌ها یک ماده مشترک دیده می‌شود و آن قرابت است که در لغت نیز نسب به همین معنی آمده است.

راه‌های اثبات نسب

قاعده فراش

یکی از مهم‌ترین مسائل فقهی و همچنین در حقوق اثبات و احراز نسب است که دین اهمیت زیادی به آن داده و می‌دهد. برای اثبات و احراز آن راه‌های متعددی از طرف فقهای اسلام بیان شده است. یکی از این راه‌ها قاعده مشهور فراش است که در مذهب اهل بیت علیهم‌السلام و فقه احناف هر

دو این قاعده مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از قواعد فقهی، قاعده «الفراش» است. این قاعده از قواعد مشهور و مورد قبول مسلمانان است. ((بجنوردی، القواعد الفقهیه ۱۴۱۹: ۴/ ۲۱)) این قاعده بر خاسته از حدیث پیامبر اکرم^۷ است که فرمود: الولد للفراش وللعاھر الحجر. ((کلینی، الکافی ۱۴۰۷ ق: ۵۴/۲؛ شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة: ۲۱/ ۱۶۹؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ۱۴۲۲ هـ: ۱۵۶/۹؛ مسلم، صحیح مسلم، ۱۰۸۰/۲))

فراش به معنی آن چه گسترده می شود و بر آن می خوابند و نیز هریک از زوجین فراش یکدیگر خوانده می شوند همان طوری که لباس یکدیگر نامیده شده اند.

چنان که در حدیث نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: «الولد للفراش وللعاھر الحجر» که مراد زوج است. (مقری، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ۱/ ۲۴۲)

در اصطلاح حقوقی فراش را چنین تعریف کرده اند: «طفلی که از یک زن شوهردار به دنیا آمده باشد، فرزند شوهر فرض می شود و ملحق به اوست.» (امامی، اسدالله و سیدحسین صفایی، ۱۳۷۴ ش: ۲/ ۲۹۳)

«این مساله در بین اصحاب «فقهاء امامیه» اجماعی است که اگر فرزند از زن دائمی مردی متولد شود در صورتی که شرایط الحاق داشته باشد به او ملحق و منتسب می شود» (موسوی عاملی، سیدمحمد بن علی، نهایة المرام: ۱، ۴۳۲/۲) برخی دیگر از فقها نیز ادعای اجماع نموده اند. (خوانساری، سیداحمد، جامع المدارک: ۴/ ۴۴۳)

در قانون مدنی ایران که برخاسته از فقه اهل بیت^{علیهم السلام} است نیز این مطلب بیان شده است. طفل متولد در زمان زوجیت، ملحق به شوهر است مشروط بر این که از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد. (قانون مدنی ایران جلد سوم مصوب ۱۳ مهر و ۸ آبان ۱۳۱۴، ماده ۱۱۵۸)

هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است مشروط بر این که مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته باشد مگر آن که

ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیش از ده ماه گذشته باشد. (قانون مدنی ایران جلد سوم مصوب ۱۳ مهر و آبان ۱۳۱۴ ماده ۱۱۵۸، ماده ۱۱۵۹)

و اثبات و ثبوت نسب از طریق بین فقهاء مجمع علیه است بنابر روایت پیامبر اکرم^۷: «الولد للفرش...» (سرخسی، المبسوط: ۱۷ ص ۱۰۲؛ حاشیه دسوقی، ۴۱۲/۳)

«ثبوت نسب اگرچه در حقیقت بعد از دخول تحقق می‌یابد ولی سبب ظاهری آن همان نکاح است؛ زیرا دخول و وطی امر باطنی است، و با نکاح اثبات نسب تحقق می‌یابد. پیامبر فرمود: الولد للفرش وللعاهر الحجر)) و همچنین کسی که در شرق زندگی می‌کند با کسی که در غرب زندگی می‌کند ازدواج کند و در واقع دخول هم صورت نگرفته باشد نسب ثابت می‌شود؛ زیرا سبب ثبوت نسب کا نکاح باشد، تحقق یافته است.» (بدائع الصنائع ۳۳۱/۲)

بیّنه

راه دیگری که برای ثبوت نسب وجود دارد بیّنه و شهادت شهود عدول است. در فقه نیز شهادت بر نسب پذیرفته شده است به طوری که اکثر علمای امامیه قائلند که نسب به شهادت دو شاهد عادل ثابت می‌شود به عموم ادله بر حجیت بیّنه. و در فقه اهل تسنن و بخصوص احناف نیز تقریباً مسئله اجماعی است.

محقق حلی در شرایع الاسلامیه می‌فرماید: «نسب ثابت نمی‌شود مگر به شهادت دادن دو مرد عادل و ثابت نمی‌شود با شهادت یک مرد و دو زن بنابر اظهارونه با شهادت دادن یک مرد و یک قسم و نه با شهادت دادن دو نفر فاسق هر چند وارث باشند.» (محقق حلی، شرایع الاسلام: ۱۲۵/۴)

«تمام فقهاء اجماع کرده‌اند بر اینکه که نسب ثابت می‌شود برای کسی که ادعای آن را دارد بنابر شهادت عدول به صحت ادعایش و شهادت بالسمع کافی است یعنی بین مردم مشهور باشد که فلانی فرزند فلانی است.» (صنعانی، سبل السلام: ۱۳۷/۴)

نسب بالاتفاق با شهادت دو نفر شاهد ثابت می‌شود، البته در مورد اثبات و ثبوت نسب با شهادت یک مرد و دو زن بین فقهاء اختلاف است، نزد گروهی از فقهاء که حنفیه هم جز آنها

است اثبات ولادت با شهادت یک زن ثابت می شود. ((ذی این ائمتسٹ اور جنٹیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۳۱۱))

اقرار

باتفاق فقهای اسلام با اقرار پدر نسب ثابت می شود. و برای آن شرائطی بیان کرده اند. «هرگاه انسانی، به فرزندی کسی اقرار نماید به او ملحق می گردد، بدون فرق بین این که اقرار در حال صحت باشد یا مرض، و از یکدیگر ارث می برند، خواه فرزندی که نسبت به او اقرار شده، آن را تصدیق کند، یا تکذیب نماید. البته اگر انتساب و نسب او به دیگری مشهور باشد در این صورت ملحق نمی گردد» (طوسی، محمدبن حسن، النهایة، ۱۴۰۰: ۱۴۴: ۶۸۴) شهید اول می فرماید: «اگر شخصی اقرار کند که فلانی پسر من است در حالی که سن اقرار کننده بیش از او یا برابر یا کمتر از او باشد، به گونه ای که عادتاً تولد یافتن او از اقرارکننده امکان ندارد، اقرار باطل است.» ((مکی عاملی (شهید اول)، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۴۸)) «ومن اقر بغلام یولده مثله لمثله، ولیس له نسب معروف انه ابنه وصدقه الغلام ثبت نسبه منه وان کان مریضاً.» هدایه ۲۴۳/۳ «پدر اقرار کند که این فرزند من است، باین کار ابوت ثابت می شود، و تمام آثار نسب صحیح بر آن مترتب می شود، با شرائط ذیل:

- ۱: بچه مجهول النسب باشد، مثل لقیط وغیره
- ۲: عقلاً و عرفاً الحاق فرزند به پدر ممکن باشد، مثلاً عمر مقرر و مقرر له مساوی باشد، یا عمر مقرر کمتر از مقرر له باشد، در این صورت این اقرار مقبول نیست. (شهید اول نیز به این شرط تصریح کرده است که در بالا عبارت شهید را متذکر شدیم.)
- ۳: مقرر له و بچه اگر اهلیت (عاقلاً و بالغ) اقرار را داشته باشد، قول اقرار کننده را انکار نکند.
- ۴: شخص دیگری ادعای فرزند خود بودن نکند.
- ۵: اقرار مقرر در مورد خود باشد نه در مورد شخص دیگر. ((ذی این ائمتسٹ اور جنٹیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۳۱۱ و ۳۳۸))

قیافه

قیامه مصدر (قاف) به معنای تتبع جایی و اثر کسی است تا او را بشناسد و قائف به کسی می‌گویند که آثار را تتبع بکند و آن را بشناسد و شباهت مرد از بوسیله پدر و برادرش شناخته می‌شود. (ابن منظور، لسان العرب: ۹/۲۹۳)

و مراد از قائف کسی است که با فراستی که دارد و نظری که اعضاء مولود می‌کند نسب را می‌شناسد. (الجرجانی، التعریفات: ۱۷۱)

در فقه امامیه برای ثبوت و اثبات نسب افراد از قیافه استفاده نمی‌شود. ولی در بین اهل سنت غیر از حنفی‌ها بقیه از این طریق نیز نسب را ثابت می‌دانند.

یعنی نزد جمهور اهل سنت قیافه و شباهت نیز یکی از راه‌های ثبوت نسب است. ابوحنیفه قیافه را قبول ندارد ولی مفتیان معاصر احناف مثل جمهور اهل سنت قیافه را نیز یکی از راه‌های ثبوت نسب می‌پذیرند. یکی از مفتی‌های احناف می‌نویسد: «اگر مانع شرعی در الحاق نسب نداشته باشد در این صورت قول قائف معتبر است... و نیاز به قیافه موقعی تحقق می‌یابد که در مورد یک بچه چند نفر ادعای نسب کند و طبق برخی از فقهاء برای پذیرش قول قائف حکم قاضی ضرورت دارد.» ((دی این ایستت اورجنتیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۳۱۲))

دلیل جمهور این است که عمر در حضور صحابه بر اساس قول قائف حکم می‌کرد و از صحابه کسی انکار نمی‌کرد این مانند اجماع است. (الفقه الاسلامی و ادلته ۶۸۱/۷)

همچنین درباره کعب بن سوار که در زمان عمر بن خطاب مسئولیت قضاوت را به عهده داشته منقول است که دوزن هر کدام یک بچه داشتند و یکی از بچه‌های این دوزن از دنیا رفت و درباره بچه زنده بین آنان اختلاف شد و هر کدام ادعا می‌کرد که بچه مال اوست، کعب گفت: من سلیمان بن داوود نیستم، بعد خاک نرم طلب کرد و دستورداد که هر دو زن روی آن راه بروند، سپس گفت بچه نیز روی خاک راه برود، بعد از آن قائف را صدا زد و طبق رأی قائف بچه به به یکی از زنها داد. (الطرق الحکمیة: ۶۶)

دی. ان. ای

تمام ذرات جهان و خلقت تمام موجودات از جمادات تا انسان گواه روشن بر عظمت خدای بزرگ و برتر است. رازها و اسرار زیادی در خلقت موجودات وجود دارند که با اکتشافات علمی امروز این رازها هر روز آشکارتر می شوند.

یکی از این رازهای نهفته در خلقت DNA دی ان ای است. از یک طرف پیشرفت هایی که در علم و تکنولوژی صورت گرفته اهمیت و ضرورت دی ان ای را در دنیای امروز آشکارتر کرده است و از طرف دیگر برای حل مسائل شرعی مثل نسب و جرائم و غیره کمک شایانی کرده است.

معنای اصطلاحی DNA در علم پزشکی

DNA یک شئ شیمیایی و یک اصطلاح علم ژنتیک در علم زیست شناسی است. و آن مخفف دی اکسی ریبو نوکلئیک اسید (Deoxyribonucleic acid) است. در عربی به آن بصره وراثیه می گویند. اولین بار آقای Mischer آنرا در سال ۱۸۶۹م کشف کرد و بعد ایوری، میکلیادومکارتی موروثی بودن آن را ثابت کردند. در تعریف دی ان ای چنین آمده است: «DNA، ماده وراثتی موجودات زنده است که در درجه اول در هسته سلول یافت می شود. DNA به صورت ژن هایی رشته مانند طولانی تشکیل شده که در ناحیه گسسته ای به نام مکان های ژنتیکی بر روی ۴۶ کروموزوم واقع شده است.» (مجله آکادمی پزشکی دهان و رادیولوژی هند، اکتبر-دسامبر ۲۰۱۱؛ ۲۳ (۴): ۶۱۳-۶۱۶)

«دی ان ای یک مولکول طولانی است که دارای کد ژنتیکی خاص هر فرد می باشد. دی ان ای همه دستورالعمل های که برای ساختن پروتئین های مورد نیاز بدن ما است را در بر دارد. و این دستورالعمل ها از والدین به بچه ها منتقل می شوند. تقریباً نیمی از دی ان ای بچه از پدر و نیمی دیگر از مادر نشأت می گیرد.» (توسط آلانا بیگز، MPH، MD، بررسی پزشکی - نوشته شده توسط تیم نیومن در ۱۱ ژانویه ۲۰۱۸ www.medicalnewstoday.com)

«دی ان ای یک مولکولی است که دارای دستورالعمل ها و ارگانیسمی است که برای توسعه، زنده بودن و باز تولید نیاز دارد. و این دستورالعمل ها در داخل هر سلولی یافت می شود و

نقش آزمایش‌های «دی.ان.ای» در ثبوت و عدم ثبوت نسب و جرائم از دیدگاه □ ۱۷

از والدین به بچه منتقل می‌شود. (DNA : تعریف ، ساختار و کشف توسط Rachael Rettner - نویسنده ارشد ۰۸ دسامبر ۲۰۱۷)

«هو مرکب کیمیائی ذوشقین، بها ینفرد کل انسان عن غیره.» دی ان ای عبارت از یک مرکب شیمیایی است که ذوشقین است که با آن هر فردی از انسان‌ها از غیر خود جدا و ممتاز می‌شود. ((مجلة المجمع الفقهي الإسلامي لرابطة العالم الإسلامي في دورته السادسة عشر تقرير اللجنة العلمية عن البصمة الوراثية عدد المجلة ۱۶ ص ۳۹۱ ۱۴۲۴ هـ. ۲۰۰۳ م)) «وهو أن البصمة البنية الجينية التفصيلية التي تدل على هويته كل فرد بعينه» «وآن علامت و اثر تفصیلی ژنی است که برهویت هرفردی بخصوص دلالت می‌کند.» ((المنظمة الإسلامية للعلوم الطبية في ندوتها العلمية حول الوراثة والهندسة الوراثية والجينوم البشري والعلاج الجيني المنعقدة بالكويت في الفترة ما بين ۲۵ - ۲۳ جمادي الثاني ۱۴۱۹ هـ)) به اثر انگشت و اثر مهر نیز بترتیب «بَصْمَةُ الْأَصْبَع» و «بَصْمَةُ الْخَتَم» گفته می‌شود.

تست دی.ان.ای یا ژنتیک از نظر شرع

از نگاه شرع تست و آزمایش دی ان ای در اثبات نسب و جرائم چقدر اعتبار دارد. آیا فقها آن را معتبر و حجت می‌دانند یا نه؟ در این مورد نگاه‌ها متفاوت بوده و فقهای اسلام آراء مختلفی بیان کرده‌اند. برخی افراد مانند دکتر سعد الدین الهالالی در این مورد دیدگاه افراطی داشته و گفته است: «إن البصمة الوراثية هي حجة الله في الأرض» ((ذی این ایسٹس اور جنتیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۱۴۸))

دیدگاه فقهای اهل بیت علیهم السلام

باتوجه به جدید بودن استفاده از آزمایش ژنتیک در اثبات نسب، در تقریرات فقهای متقدم نصی برای آن نمی‌توان یافت. ادله اثبات نسب در هیچیک از متون فقهی تحت عنوانی خاص مورد بحث قرار نگرفته، بلکه در ابواب مختلف نظیر اولاد، مواریث و ... به فراخور موضوع، بررسی شده است (حرعاملی، بیتا، ج ۱۵ ص ۱۱۷، باب ۱۷ از احکام الاولاد، حدیث ۱۱؛ بحرانی،

بی‌تا، ج ۲۴، ص ۳۳۰؛ حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۳). اما فقهای معاصر ضمن پاسخ به استفتائاتی درخصوص استفاده از آزمایش ژنتیک به آن اشاره کرده اند.

تست دی ان ای در اثبات نسبت و جراثم چقدر مورد اطمینان و تمسک است بین فقهای امامیه اختلاف وجود دارد. برخی از مراجع براین باورند که علمی که از طریق این آزمایش‌ها حاصل گردد حجت نیست و با این آزمایش‌ها نمی‌توان نسب را ثابت نمود. برخی دیگر از فقها در صورت حصول علم قطعی یا مورد اطمینان بودن حجت و قابل عمل می‌دانند. (حسنی، محمد، استفتاء اثبات نسب به وسیله آزمایشهای ژنتیکی، بی‌تا، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی <http://vakilghasemian.blogfa.com/post-15.aspx>).

آیت الله مکارم شیرازی: «این گونه آزمایش‌ها... و علم قاضی که ناشی از آن باشد حجت نیست... و نسب نیز با این آزمایش اثبات نمی‌شود؛ اینگونه آزمایشها باتوجه به تخلفهای فراوانی که دارد حجت نیست.» (مکارم شیرازی، ناصر، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی <http://www.makarem.ir/websites/farsi/estefat/?mit=1137>).

«با توجه به استفتائات انجام شده در موارد مشابه از مراجع عظام، اکثر آنان اظهار داشته اند آزمایش‌های دقیق علمی به عنوان دلیل اثبات نسب حجیت ندارند، مگر اینکه موجب حصول علم شوند» (پبله، اعظم و....، بررسی حجیت آزمایش دی ان ای در نفی نسب: ۱۴۶).

آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: «اگر آزمایشات به قدری دقیق باشد که برای نوع افراد کارشناس نیز سبب قطع و یقین جهت انتساب فرزند به شخص آن مرد باشد جهت انتساب فرزند به او کافی است.» آیت الله حسین نوری همدانی: «اگر علم حاصل شود می‌تواند حکم به وجود نسبت کند.» آیت الله سید علی خامنه‌ای: «حجیت ندارد، مگر در صورت حصول یقین.» (حسنی، محمد، استفتاء اثبات نسب به وسیله آزمایشهای ژنتیکی، بی‌تا، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی <http://vakilghasemian.blogfa.com/post-15.aspx>).

«اگر از نظر طب قطعاً یا به گونه ای که موجب اطمینان شود، دلالت DNA بر ابوت و بنوت ثابت شود، آن را مطلقاً چه در اثبات و چه در نفی نسب می‌پذیریم.» ((المحسنی، الفقه و المسائل الطبیة، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۱۲۱))

دیدگاه علمای احناف فقهای معاصر عامه

در بین علمای احناف در این مورد اختلاف وجود دارد و مفتیان معاصر احناف فتاوی مختلفه داده اند.

برخی آنان از مفتیان احناف آزمایش دی ان ای را به قیافه قیاس کرده اند بلکه آزمایش دی ان ای را دلیل قوی تر از قیافه و قرعه دانسته اند. چنانچه مفتی های احناف چنین نظری بیان کرده اند: «برای ثبوت نسب قیافه دلیل معتبری است و سخن قائف (قیافه شناس) درباره اسامه و زید که گفت ((ان الاقدام

بعضها من بعض)) صحیح بخاری ج ۵۶/۱۲ و مسلم ۱۰۸/۲ دلیلی بر مدعای ما است. و آزمایش دی ان ای از حیث نتائج و علم واضح تر، صحیح ترویقینی تر از قیافه است. ((ذی این ائستت اورجنتیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۴۱))

برخی از علما و بزرگان احناف مانند مولانا اختر امام عادل، مفتی جمیل احمد ندیری، قاضی عبدالجلیل قاسمی، مفتی ثناء الهدی قاسمی و دکتر ظفر الاسلام قاسمی آزمایش دی ان ای را بعنوان یک قرینه قطعی پذیرفته اند. ((ذی این ائستت اورجنتیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۲۰))

دکتر وهبه زحیلی نیز آزمایش دی ان ای را یک دلیل وقرینه محکم می داند: «القضا بالقرائن اصل من اصول الشرع» (الفقه الاسلامی وادلتہ ۶/۶۴۴)

البته دی ان ای را یک وسیله مستقل برای ثبوت نسب و جرائم نمی داند بلکه برای اکتشاف جرم و وادار کردن متهم بر اقرار از آن کمک گرفته می شود. (البصمة الوراثية: ۳۴)

برخی از آنان آزمایش دی ان ای را لغو دانسته اند و برخی دیگر احتیاط کرده و بطور مشروط پذیرفته اند یعنی آزمایشگر باید مسلمان، عادل، متخصص و بیشتر از یک نفر باشند. البته مولانا اختر امام عادل در مورد شرطیت اسلام و عدالت گفته اند که اگر در کشورهای غیر اسلامی این شرائط حاصل نباشند حرجی نیست زیرا در آن کشورها رعایت این شرائط مشکل است و ثانیاً این شرائط نزد فقهای اسلام متفق علیه نیست. (تبصرة الحکام، مقاله مولانا اختر امام عادل ۱۰۸/۲)

مفتی جمیل احمد ندیری دی ان ای را بعد از بینه، اقرار، علامت در بدن، معتبر می داند و برقیافه ترجیح داده می گوید: «تست دی ان ای برقیافه ترجیح دارد برای اینکه قیافه ظن و تخمین است ولی تست دی ان ای تحقیق و تدقیق.» ((ذی این اےٹسٹ اورجنٹیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۳۶۱))

اگر از طریق دی ان ای علم قطعی حاصل شود این چندصورت پیدامی کند:
۱: اگر همه ادعا کنندگان بینه داشته باشند و آزمایش دی ان ای بینه هرکدام را تصدیق کند، آن معتبر است.

۲: اگر کسی بینه داشته باشد و تست دی ان ای آن را تصدیق کند فبها، و اگر آن را تصدیق نکرده بلکه مخالف آن بوده و با ادعای دیگری موافق باشد در این صورت تست دی ان ای معتبر شناخته می شود به این شرط که تست دی ان ای تمام شرائط بینه را داشته باشد.

۳: و اگر هیچ کس بینه نداشته باشد در این صورت تست دی ان ای معتبر بوده و طبق آن عمل می شود. زیرا علم قیافه که یک امر ظنی است در صورت عدم وجود بینه نزد جمهور علماء برای ثبوت نسب معتبر است وقتی قیافه معتبر باشد تست دی ان ای بطریق اولی معتبر است. ((ذی این اےٹسٹ اورجنٹیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۳۸۴))

برخی دیگر تست دی ان ای را در چند موارد قابل قبول دانسته اند.

۱: بچه مجهول النسب و لقیط که چند نفر در باره او ادعای نسب کنند.

۲: در بیمارستان بچه ها با یکدیگر عوض شوند.

۳: بعد از عروسی در باره بچه ای که در مدت کمتر از شش ماه متولد شده، شک شود.

۴: در جنگ ها و حوادث بچه های نشناخته زیادی پیدا شوند.

۵: بین قول های دویینه یا قیافه شناسان یا اقرار کنندگان تعارض پیش بیاید؛ زیرا تست دی ان ای قوی تر از قرعه کشی و قائف است. ((ذی این اےٹسٹ اورجنٹیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۳۱۵))

نفی نسب از طریق دی.ان.ای

اسلام به نسل و نسب افراد توجه و اهمیت خاصی داده و می‌دهد. لذا برای ثبوت زنا شرایط سختی گذاشته است. در شریعت برای نفی نسب یک راه وجود دارد آن لعان است.

{وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَدَةُ أَحَدِهِمْ أَزْبَعُ شَهَدَةِ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ* وَالْخَمْسَةُ أَنْ لَعْنَتَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَذِبِينَ* وَيَذَرُوا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَزْبَعُ شَهَدَةِ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَذِبِينَ* وَالْخَمْسَةُ أَنْ غَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ} (النور ۶-۹)

در این عصر بخاطر پیشرفت علم راه دیگری برای نفی نسب قرار داده شده است. یعنی از طریق دی.ان.ای می‌توان نسبت فرزندی را ثابت یا نفی کرد. اما از نگاه دین نفی فرزند از راه غیر لعان مثل دی.ان.ای ممکن و مشروع است یا نه؟ دیدگاه فقهای مذهب اهل بیت علیهم‌السلام و علمای احناف در این مورد چیست؟

از نگاه فقه مذهب اهل بیت علیهم‌السلام در صورت فقدان شرایط الحاق فرزند به پدر، بدون آن که لعان صورت گیرد، منتفی است. (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۱۵۹/۶) و در صورتی که برای مرد معلوم شود که فرزندش در کمتر از مدت وضع حمل بدنیا آمده است، قطعاً این فرزند به او ملحق نمی‌شود و دیگر نیاز به لعان ندارد. ((نجفی، بی تا، ج ۱۳/۳۴))

«وقتی از طریق فراش نسب کسی ثابت شد، برای نفی نسب جزیک راه وجود ندارد و آن لعان است..... یعنی در صورت وجود قاعده فراش و ثبوت نسب از این طریق دیگر تست دی.ان.ای برای اثبات و نفی نسب اعتباری ندارد..... و اعتماد به بسمه وراثیه (دی.ان.ای) در نفی نسب و مقدم داشتن آن بر لعان جائز نیست.» ((ذی این ایست اورجینیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۳۱۵ و ۱۵۲))

ثبوت جرائم از طریق آزمایش‌های دی.ان.ای از نظر شرع

معنای جرائم

جرائم جمع جرم است از ریشه عربی ج رم، به معنای کندن، چیدن میوه از درخت، حمل کردن، کسب کردن، ارتکاب گناه و وادار کردن به کاری ناپسندیده کار رفته است. ((خلیل بن احمد، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۶ / ۱۱۹؛ طریحی، فخرالدین بن محمد مجمع البحرین، ۱۳۶۲ ذیل ماده؛ ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۱ / ۳۵۸))

در معنای اصطلاحی جرم نیز گفته شده: «مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد» ((گرچی، ابو القاسم، مقالات حقوقی، ۱۳۶۵: ۱ / ۵۸))

از نگاه حقوقی جرم را این گونه تعریف کرده اند: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم است.» ((صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ۱۳۷۶: ۱ / ۱۷۲-۱۷۳))

جرم یابی و نقش علم بیولوژی در کشف جرایم

جرم یابی مجموعه دانش ها و فنونی هستند که به کشف جرم و شناخت و دستگیری بزهکاران کمک می کنند. پیشرفت هایی که امروزه در شیوه های کشف جرم حاصل شده، از تعداد جرایم نامکشوف و بزهکاران ناشناخته کاسته است.

نمایگان DNA به عنوان وسیله ای ارزشمند در دست کار آگاهان و پلیس جنایی جهت کشف جرم و مجرمان با سرعت و دقت و قطعیت بیشتری به کار می رود.

دیدگاه فقهای اهل بیت علیهم السلام

نظریه فقهای بزرگ شیعه در این قسمت از مقاله در خصوص موضوع طی پاسخ به استفتائات چنین آمده است:

«آزمایش DNA روش مولکولی کشف جرم است که می‌تواند بطور قاطع تعلق یا عدم تعلق مواد بیولوژیکی مانند خون را به فرد متهم اثبات یا انکار کند. آیا می‌توان این روش را به عنوان یکی از طرق کشف علم قاضی در صدور احکام قضایی باشد یا خیر؟»

«در صورت مثبت بودن پاسخ گرفتن خون از فرد مظنون برای انجام آزمایش DNA جهت کشف جرم و بدون رضایت وی چه حکمی دارد؟» به بیان دیگر سؤال اول در خصوص حجت بودن استفاده از نتایج آزمایش DNA در علم قاضی و سؤال دوم در خصوص چگونگی و حکم گرفتن خون یا مواد بیولوژیک از فرد مظنون با عدم رضایت ایشان می‌باشد. باتوجه به جوابیه، به نکته جالبی می‌رسیم که در این موضوع فقهای بزرگ وحدت رویه نداشته و جواب سؤال متفاوت با یکدیگر است، شاید هم یکی از دلایل آن عدم توجه جوامع فقهی و حقوقی به روش‌های مولکولی و نوین کشف جرم و عدم عنوان نمودن سؤال‌هایی از این دست در محافل حوزه و دانشگاه است، که ما می‌توانیم پاسخ‌ها را در سه دسته تقسیم بندی کنیم:

۱. گروهی که استفاده از این علم را جایز می‌دانند.

۲. گروهی که استفاده از این علم را فقط در اثبات موارد لوث جایز و قسالة را ضروری

شمرده اند

۳. گروهی که استفاده از این علم را به عنوان صوری از علم قاضی جایز ندانسته اند.

در گروه اول می‌توان نظریات زیر را قرار داد. آیت الله موسوی اردبیلی که خود زمانی ریاست قوه قضائیه را به عهده داشته است نظری روشن‌تر ارائه داشته، نظر ایشان بر آن است که استفاده از آزمایش DNA در صورت عدم اشتباه و به کمک سایر قرائن و شواهد وسیله صدور حکم دانسته اما احکام بعضی از حدود بخصوصی حدودی مانند «حد زنا» را جدا دانسته، و به طور کلی خون گرفتن از مظنون را در صورت ضرورت و حتی با عدم رضایت مظنون جایز شمرده اند. آیت الله علوی گرگانی نیز این روش را در صورتی که موجب علم قاضی شود حجت می‌داند و ایشان نیز خون‌گیری از مظنون را در صورت ضرورت جایز دانسته اند. آیت الله صافی گلپایگانی استفاده از این آزمایش را در صورتی که موجب حصول علم برای قاضی جامع الشرایط شود جایز دانسته ولی گرفتن خون از مظنون بدون رضایت را جایز ندانسته اند.

در گروه دوم تنها می توان نظریه آیت الله سبحانی را برشمرد، ایشان آزمایش مذکور را تحت شرایطی از حالت های لوث دانسته اند و نیاز به قسامه را برای متهم دانستن شخص لازم دانسته اند.

در گروه سوم آیت الله مکارم شیرازی، نوری همدانی و آیت الله مدنی تبریزی قرار دارند که آنها استفاده از علم DNA را برای اثبات جرم جایز ندانسته اند و اظهار داشته اند استفاده از این روش و علوم حجت شرعی ندارد.

مقام معظم رهبری نظری دیگری و خارج از این تقسیم بندی ها داشته و ایشان ملاک را در این گونه موارد قانون و مقررات دانسته است. (ر.مقاله : مسگری حق؛ نصیری، مطالعه علمی فقهی و حقوقی نقش DNA در اثبات جرایم، ۱۳۹۳)

دیدگاه علما و مفتیان احناف

برای ثبوت قتل و شناخت قاتل راه هایی در فقه و حقوق بیان شده است. بایشرفت علم راه دیگری برای شناخت قاتل در دنیا بوجود آمده است که آن شناخت قاتل از طریق دی ان ای است. از نظر علمی از طریق دی ان ای می توان قاتل اصلی را شناخت. ولی این راه از نظر شرعی نیز قابل اثبات یا اطمینان است یا نه بین فقهای اسلامی اختلاف آراء وجود دارد.

در اینکه از طریق آزمایش دی ان ای بتوان به شناخت قاتل دست یافت یا آنرا معتبر دانسته و براساس آن فتوی داد بین علما و مفتیان احناف تفاوت نظر وجود دارد. برخی از آنان شناخت قاتل را از طریق دی ان ای بعید دانسته و آن را درباره شناخت قاتل غیر معتبر می دانند.

«با آزمایش دی ان ای نمی توان علیه کسی اعلام جرم کرد... این آزمایش بینه قاطعه نیست لذا فقط از این طریق نمی توان کسی را مجرم قرارداد.» ((دی این اے ئسٹ اور جنٹیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۴۴))

ولی در مقابل برخی دیگر آن را در صورت وجود ظن غالب معتبر می دانند و می گویند اگر با آزمایش دی ان ای ظن غالب حاصل شود، می توان فرد مورد آزمایش قرار گرفته شده را قاتل معرفی کرد. و برای اثبات آن از مشکوٰه ۲/۳۰۶ و ۳۰۷ مطرح کرده اند. و چنین استدلال کرده اند

که اگر مقتول در یک آبادی پیدا شود به پنجاه تن از آنان قسم داده می‌شود و اگر این کار ممکن نباشد از روش دی.ان.ای استفاده خواهد شد زیرا شریعت آن را نفی نمی‌کند و از این طریق باب جرائم نیز بسته می‌شود. ((دی این اِمِٹسٹ اورجنٹیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: (۴۵))

زنا

زنا نیز یکی از جرائم اجتماعی است که برای اثبات آن امروزه در دادگاه‌ها از آزمایش‌های دی.ان.ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا لازم است نظر فقه نیز در این خصوص ملاحظه و بررسی شود تا اعتبار آن نزد شرع مشخص گردد.

دیدگاه فقها در ثبوت زنا از طریق دی.ان.ای

دیدگاه فقهای اهل بیت علیهم‌السلام

ثبوت زنا از طریق دی.ان.ای محل اختلاف بین فقهای امامیه است. اکثر فقهای امامیه ثبوت زنا از طریق دی.ان.ای را محل اشکال دانسته و آن را نمی‌پذیرند. فقط برخی از فقها در صورت حصول قطع و اطمینان آن را می‌قبول می‌کنند.

مراجع عظام در پاسخ استفتائات درباره ثبوت زنا از طریق آزمایش دی.ان.ای می‌گویند که از این طریق زنا ثابت نمی‌شود. «این گونه آزمایش‌ها برای اثبات زنا حجت نیست.» (استفتا از سایت دفاتر آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی (مد ظلهم العالی)، توسط سایت اسلام کوئیست)

«به طور کلی به آزمایش مذکور و اقرار زن، زناي مرد ثابت نمی‌شود.» آیات عظام: سیستانی و صافی گلپایگانی (مد ظلهما العالی)

دیدگاه علمای احناف

ثبوت زنا از طریق دی ان ای نیز مورد اختلاف بین علمای احناف است. برخی آن را برای ثبوت زنا از اصل معتبر نمی دانند برخی دیگر اصل ثبوت زنا از این طریق را درست می دانند ولی حد زنا را نمی توان ثابت دانست فقط می توان تعزیر را ثابت دانست.

برخی از علما و مفتی ها می گویند که برای اثبات زنا آزمایش دی ان ای اصلاً معتبر نیست اما از نگاه برخی دیگر اگر از طریق دی ان ای زنا ثابت شود حد زنا جاری نمی شود فقط حکم تعزیر ثابت می شود. ((ذی این اِمُتْسُت اور جَنَّتیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۲۴۵))

ولا يثبت الزنا بغير ذلك من الوسائل الحديثة، كالفحص الطبي أو التصوير بآلات التصوير والتسجيل، ولا يثبت بالفحص الكيميائي ولا غيره؛ لأن تلك الوسائل أمور محتملة، والاسلام قد جعل مبدأ درء الحدود بالشبهات كما جاء في الحديث: "ادروا الحدود بالشبهات".

زنا با وسائل جدید مانند معاینه طبی، عکسبرداری با آلات تصویری و ثبت و تسجیل ثابت نمی شود، و همچنین با معاینه شیمیایی و غیره نیز ثابت نمی شود؛ زیرا این نوع وسائل امورات احتمالی اند و اسلام حدود را با شبهات ساقط می کند. ((الفقه المیسر ۲۰۱۱ م: ۷۳/۱۳))

در باب زنا تست دی ان ای غیر معتبر است؛ زیرا برای ثبوت زنا چهار شاهد لازم است و طبق روایت سترعیوب اولی است. عن ابی هریره قال رسول الله: من ستر علی مسلم ستره الله فی الدنيا والآخرة. الترمذی ۲۶۳/۱

«از طریق دی ان ای اگرچ شناخت زانی ممکن است، لکن براساس آن نمی توان حد زنا بر او جاری کرد؛ زیرا به حکم صریح قرآن و روایات ثبوت زنا با چهار شاهد مرد یا با اقرار زانی ممکن است..... با شهادت سه نفر شاهد، زنا ثابت نمی شود، لذا از طریق دی ان ای نیز ثابت نمی شود..... و تست دی ان ای موجب فاش شدن عیوب و مخالفت با روایت می شود لذا آن معتبر نیست.» ((ذی این اِمُتْسُت اور جَنَّتیک سائنس سے متعلق شرعی مسائل ۲۰۱۳: ۲۷۰ و ۳۲۷))

خلاصه و نتیجه گیری

در مقاله حاضر دیدگاه‌های فقه‌های مذهب اهل بیت علیهم‌السلام و علمای احناف در مورد ثبوت نسب و جرائم و عدم آن با آزمایش دی.ان.ای مورد بررسی قرار گرفته است. نزد فقه‌های مذهب اهل بیت علیهم‌السلام آزمایش دی.ان.ای از اعتبار برخوردار نیست و با آن نمی‌توان نسب و جرائم را اثبات کرد اما در مذهب احناف بین مفتی‌ها اختلاف نظر وجود داشت که برخی آن را منکر شدند برخی دیگر با شرایط آن را قابل قبول دانسته‌اند.

کتابنامه

منابع فارسی و عربی

قرآن کریم

ابن منظور، جمال الدین ابی الفضل محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دارالکتب العلمیة،

۲۰۰۳م - ۱۴۲۴هـ ق ط ۱

الجوهري، لأبي نصر إسماعيل بن حماد، **الصحاح**، القاهرة: دار العلم للملايين، ۱۹۵۶م

_ ۱۳۷۶هـ ق ط ۱

المنظمة الإسلامية للعلوم الطبية في ندوتها العلمية حول الوراثة والهندسة الوراثية والجينوم

البشري والعلاج الجيني المنعقدة بالكويت في الفترة ما بين ۲۵ - ۲۳ جمادي الثاني ۱۴۱۹هـ ق

الموافق من ۱۳ - ۱۵ أكتوبر ۱۹۹۸م

انصاری حسین، **اثبات نسب از طریق DNA**، مرکز فقهی آئمه اطهار، ص ۱ - ۱۷، ۱۳۸۷

بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹ق

بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحيح البخاري**، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار

طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي) الطبعة: الأولى،

۱۴۲۲هـ

پيله، اعظم، علوی قزوینی، سیدعلی، رضی، علی، **بررسی حجیت آزمایش دی ان ای DNA**

درنقی نسب، مجله علمی - پژوهشی حقوق خصوصی، دوره دهم، شماره اول، بهار و تابستان

۱۳۹۲ صفحات ۱۳۹ - ۱۵۸

توفیقی، حسن وسایرین، **کارایی DNA Typing به عنوان روشی قطعی در تعیین رابطه**

نسبت، مجله علمی پزشکی قانونی، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۱۰ - ۱۲، ۱۳۷۸

جعفری، امین، تشخیص هویت ژنتیکی در علوم جنایی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۸۶

الجنیدی، احمد نصر، النسب فی الإسلام والأرحام البديلة، مصر، دارالکتب القانونية، ۲۰۰۳ م

خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، ۱۴۰۹
الخوانساری، السید أحمد، جامع المدارك في شرح المختصر النافع، محقق/گردآورنده:
غفاری، علی اکبر، تهران: مکتبه الصدوق، دوم، ۱۴۰۵ ق

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل، ترجمه کتاب المفردات فی غریب القرآن، ترجمه و تحقیق: خسروی حسینی، دکتر سید غلامرضا، تهران: کتابفروشی مرتضوی، بی تا.

زیدان، عبدالکریم، المفصل فی احکام المرأة والبيت المسلم فی الشریعة الإسلامیة، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ هـ

الشاطبی، ابی اسحاق ابراهیم بن موسی اللخمی، الموافقات، المملکه العربیه السعودیه: دار ابن عفان، ۱۹۹۷ م- ۱۴۱۷ ق ط ۱

الشیخ حرّ العاملي، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، المحقق والناشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث - قم

صادقی، مرتضی؛ صبور، علیرضا، بررسی میزان اعتبار مارکهای خونی در تشخیص هویت انسان با انگشت نگاری DNA، مجله دانش و تندرستی، دوره ۹، شماره ۱ بهار ۱۳۹۳، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شاهرود

صانع، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران ۱۳۷۶ ش

صفائی، سید حسین و اسدالله امامی، حقوق خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.

طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، تهران: چاپ احمد حسینی، ۱۳۶۲ ش

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن، **النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى**، بيروت: دار الكتاب العربي، دوم، ۱۴۰۰ق

عامری، پرویز، یاسینی نیا، هاجر، **نقش دلایل ژنتیکی در دعاوی اثبات نسب**، دو فصلنامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق) سال بیست و یکم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ شماره ۶۵

قادری، شیخ الاسلام دکتر محمد طاهر القادری، **اسلام اور جدید سائنس**، لاهور: منهاج القرآن پبلیکیشنز، ط ششم، ۲۰۰۷م

قلعه جرقی، ابوالفضل علیشاهی، زکی خانی، نجمه، **حجیت تجزیه و تحلیل پزشکی در اثبات احکام قضایی**، فصلنامه فقه پزشکی، سال هفتم، شماره ۲۲ و ۲۳ بهار و تابستان ۱۳۹۴

کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق
مجله المجمع الفقهي الإسلامي لرابطة العالم الإسلامي في دورته السادسة عشر تقرير اللجنة العلمية عن البصمة الوراثية عدد المجلة ۱۶ ص ۳۹۱-۱۴۲۴هـ. ۲۰۰۳م

المحسنی، محمد آصف، **الفقه و المسائل الطبية**، قم: بوستان کتاب، ۱۴۱۴ق
مسگری حق، نصیری، سجاد، **مطالعه علمی فقهی و حقوقی نقش DNA در اثبات جرائم**، فصلنامه علمی-پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۲ زمستان ۱۳۹۳.

مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، **صحیح مسلم**، بیروت، دار احیاء کتاب العربیة، بی تا
مصطفی الزیات، ابراهیم، النجار، حامد، **المعجم الوسيط**، مجمع اللغة العربیة، دار الدعوة، بی تا، بی جا.

الموسوعة الفقهية، إصدار وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، الكويت، ط ۲
موسوی عاملی، سید محمد بن علی، **نهاية المرام تأليف صاحب المدارك السيد العاملي في تميم مجمع الفائدة والبرهان تأليف المولى احمد المقدس الأردبيلي قدس سره**، تحقیق مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة

نقش آزمایش‌های «دی.ان.ای» در ثبوت و عدم ثبوت نسب و جرائم از دیدگاه □ ۳۱

یزدانی‌پور، نایب، درایتی، حمید، دانشورثانی، رضا، بررسی و تحلیل فقهی-حقوقی حجیت
آزمایش DNA در اثبات نسب، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره
شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۸۵-۹۸

منابع انگلیسی

1. DNA: Definition, Structure & Discovery By Rachael Rettner – Senior Writer December 08, 2017
2. John M Butler ,Fundamentals of Forensic DNA Typing ,Elsevier,2010, USA
3. Kurt Weising ,Hilde Nybom, Kirsten Wolff, Gü nter Kahl ,DNA Fingerprinting in Plants Principles, Methods, and Applications, U.S ,Taylor & Francis Group,2005,Second Edition
4. Medically reviewed by Alana Biggers, M.D., MPH — Written by Tim Newman on January 11, 2018 www.medicalnewstoday.com
5. Vasavi Krishnamurthy, Reema Manoj , SS Pagare,Understanding the Basics of DNA Fingerprinting in Forensic Sciencd, Journal of Indian Academy of Oral Medicine

